

در تهران چه گذشت!!!!؟

کانون صنفی معلمان تهران

هجدهم اردیبهشت ماه هشتاد و شش

آفتاب گرم بهاری چهره هارا سیاه کرده بود، برخی از راه های دور آمده بودند، نگرانی از سرو روی همه می بارید . گوشه ای از بهارستان تعقیب و گریز بود. گوشه ای دیگر رفت و آمد به کندهی انجام می شد. ماموران نیروی انتظامی همه جا بودند ، تا چشم کاری کرد آدم ایستاده بود. هر چند متر یک نفر را با باتوم کاشته بودند. دسته ای از معلم ها دوان دوان می رفتند و چند نفر پشت سر آنها با باتوم و مشت و لگد می زدند. چند تا از زنان را که در این تعقیب و گریز توان کریختن را نداشتند، زیر باتوم از پا افتادند. برخی از ماموران ارشد اطلاعات هم خونسرد گوشه ای ایستاده بودند. هرگاه چند نفر از معلمان دور هم جمع می شدند ، شعار دادن را آغاز می کردند. "معلم زندانی آزاد باید گردد". هر بار این فریاد سر داده می شد. مامورها به سمت شعاردهندگان حمله می کردند. و با مشت و لگد به جان زن و پیرو جوان می افتادند. خیابان شلوغ بود. گروهی لباس شخصی وارد جمعیت شدند. ابتدا جمعیت را به دو تکه تقسیم کردند سپس هر دسته را نیز به دو دسته تقسیم نمودند. نگاه با مشت و لگد و باتوم به جان هر دسته افتادند و همه را متفرق کردند اما کار به همین پایان نیافت. در هر گوشه عده ای معلم جمع شدند. و فریاد زدند. "معلم زندانی آزاد باید گردد". تا ساعت ۱۷ این روند ادامه داشت جمعیت گروهی به سمت چهارراه استانبول و گروهی به سمت پل چوبی به راه افتادند. گروه بسیاری از دیگر استانها هم به تهران آمده بودند. و با لهجه های گوناگون گفتگومی کردند

داخل خیابان جمهوری بودیم از روبرو دسته ای از نظامی ها آمدند. حمله کردند از دم همه را می زدند و قیچی می کردند. میزدند و روی زمین می انداختند. زمین افتادگان را دستگیر می کردند. و به جلو پیش می آمدند. پشت سر را نگاه کردیم گروهی دیگر از نظامی ها پشت سرمان را نیز بسته بودند. از دو طرف به جان معلم ها افتادند. تعداد زیادی را زدند و تعداد رانیز دستگیر کردند.

اسامی دستگیر شدگانی که تاکنون گزارش شده است:

خانم ثریا دارابی سردبیر هفته نامه ی قلم معلم (همسر محمد خاکساری)

سجاد خاکساری (پسر ارشد محمد خاکساری)

سرکار خانم میرزایی

منبع: سایت سلام دمکرات